

انجمن‌های بلدیة
در تهران چگونه
شکل گرفت؟



این کشور را کد بینبند
گزارش را با اسکن



از سیدضیاء تا کاشف السلطنه

بهاره خسروی

بلدیة تهران ۱۲ خرداد سال ۱۲۸۶ شمسی در عمارتی واقع در سبزه میدان تأسیس شد. هدف از راه‌اندازی آن را هم «حفظ منافع شهرها و ایفای حوایج اهالی شهرنشین» اعلام کردند. به بهانه سالگرد تأسیس بلدیة تهران که به مرور زمان به شهرداری تغییر نام داد، تاریخچه بلدیة تهران را با علیرضا زمانی، تهران‌شناس مرور کرده‌ایم. انقلاب مشروطه در ایران سر آغاز تحولات بزرگ و بسیاری در بحث مسائل اجتماعی و مدیریتی به‌ویژه مدیریت شهری بود و موضوع دیگری که در این دوره مطرح می‌شد حضور و مشارکت‌های مردمی در تصمیم‌گیری کلان کشور بود. علیرضا زمانی در این باره می‌گوید: «سخت‌رانی‌های میرزا یوسف ترشیزی معروف به کاشمیری و سیدضیاءالدین طباطبایی در دوران انقلاب مشروطه در باره امور بلدیة با رویکرد غربی در روزنامه‌های آن دوران انعکاس بالایی داشت. به همین دلیل وقتی مجلس شورای ملی شکل گرفت، یکی از بحث‌هایی که در مجلس مطرح شد تنظیم نظام‌نامه شورای ملی بلدیة بود که به تصویب نمایندگان رسید.» زمانی می‌گوید: «اواخر دوران قاجار به بود؛ همان زمانی که تهران هنوز مثل امروز استخوان نتر کانه بود و تعداد محله‌های آن کمتر از تعداد انگشتان یک دست بود، برای همین قرار شد تا برای انتخاب اعضای انجمن بلدیة که در نهایت از میان آنها یک نفر به عنوان رئیس انجمن و بلدیة شهر انتخاب می‌شد از ۶ محله تهران نمایندگان انتخاب شوند. از طرف وزارت داخله، کاشف السلطنه به عنوان نخستین رئیس بلدیة به انتخاب شد. نمایندگان محله‌های بازار، چاله میدان، دولت، سنگلج و عودلاجان اعلام آمادگی کردند و جالب اینجاست که در این انتخابات هر کدام از اقلیت‌های مذهبی هم نماینده‌ای داشتند. اعضای انجمن بلدیة (معادل شورای شهر فعلی) ۳۰ نفر بودند که در نخستین جلسه بعد از انتخابات شکل گرفت. اما انتخابات با حضور ۲۶ نفر برگزار شد و ۴ نفر بی دلیل از این جمع غایب بودند. نخستین رای‌گیری و تشکیل جلسه انجمن بلدیة در آراک یا بهارستان برگزار و بعد از رای‌گیری و انتخاب رئیس انجمن و بلدیة نخستین جلسه اعضا هم تشکیل شد. موضوع نخستین جلسه انجمن، بیکاری مردم تهران بود. در این جلسه مطرح می‌شود که از هر ۱۰۰ نفری، ۲۰ نفر بیکار هستند و باید به این وضعیت رسیدگی شود. تأمین هزینه‌های مالی از سوی مجلس نخستین چالش انجمن بلدیة با مجلس در بدو تشکیل بود. اعضای انجمن برای انجام اقدامات عام‌المنفعه در شهر عملاً پولی نداشتند. حکومت با انجمن همکاری چندانی نمی‌کرد این ماجرا حتی تا آستانه تعطیلی انجمن پیش رفت. اما برای زنی‌های کاشف السلطنه با کمی تغییرات، فعالیت‌های انجمن ادامه پیدا کرد.» با رسمیت گرفتن کار انجمن بلدیة، نوبت جراید بود تا با انعکاس اولویت‌های این نهاد و خواست مردم به میدان بگذارند؛ اینکه انجمن باید چه کاری برای مردم تهران انجام دهد. اولویت‌های انجمن در روزنامه‌ها به این شرح منتشر شد: اول ساماندهی کثافت آب‌ها، دوم حمام‌ها، سوم کوچه‌ها، چهارم دکان‌ها، پنجم به‌ویژه قضایی و بقالی‌ها، پنجم گرانفروشی، ششم و هفتم تنظیم قیمت‌ها بود.



هر قومیت، یک حسینیه

کوچه پس‌کوچه‌های محله پُر از مسجد و حسینیه است؛ مثل مسجد امام جعفر صادق (ع) و حسینیه حضرت ابو الفضل (ع). جالب است که هر کدام از قومیت‌های این محله، یک حسینیه برای خودشان دارند. مثل حسینیه میانداری‌ها، اما مسجد جامع مهم‌ترین مسجد محله افسریه است. در روزهای پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس این مسجد یکی از پاتوق‌های اصلی مبارزه و اعزام رزمندگان به جبهه‌های نبرد بود و خیلی از شهدای محله افسریه از این مسجد به جبهه اعزام شدند.



دومین استادیوم مهم تهران

استادیوم ۱۱۳ هکتاری تختی، دومین استادیوم مهم تهران است. این ورزشگاه در گذشته به نام «فرح آباد» شهرت داشت و زمین فوتبال آن برای مسابقات مهم و تیم‌های فوتبال مطرح کشور آماده بود. زمین چمن استادیوم تختی فوتبال لیست‌های مهمی را به خودش دیده و میزبان طر فداران ۲ تیم استقلال و پرسپولیس هم بوده است. استادیوم فوتبال این مجموعه کنج‌بیش حدود ۳۰ هزار نفر تماشاچی را دارد.



وثوق الدوله با همدستی خواهران علم
زمین‌های افسریه را فروخت

محله مهاجران

قصه و هویت محله افسریه از کوچ‌های باریک و خانه‌های کوچکی که پشت سر هم ردیف شده‌اند، شروع می‌شود. از وسط خیابان‌هایی که همیشه پُر از خودرو است و مغازه‌های قدیمی که تنگ هم کسب‌وکار پر رونقی دارند.

۱۵۰ خانه با ۲۰ نانوایی

سال‌های پایانی دهه ۵۰ بود که کم‌کم در این محدوده خانه‌های کوچک و بزرگی قد علم کردند. البته هیچ نوع کسب‌وکاری وجود نداشت و اهالی برای کار به نقاط دیگر شهر می‌رفتند. پای صحبت‌های قدیمی‌های محله که بنشیننی از روزهای سختی صحبت می‌کنند که خیابان‌های محله آسفالت نشده و دسترسی دشوار بود. عباس خاکسار تعریف می‌کند: «در محدوده میدان کلاه‌دوز کارخانه یخی بود که برخی از اهالی از جمله من آنجا کار می‌کردیم. کنار این کارخانه جاده باریکی بود که اهالی با پرداخت ۵ ریال با مینی‌بوس به خانه‌هایشان در افسریه بر می‌گشتند.» به گفته اهالی شاید اگر حساب می‌کردند، صد تا ۱۵۰ خانه در افسریه نبود و ۲۰ نانوایی هم برای اهالی نان می‌پختند. البته اغلب یکی از آنها تعطیل بود. اما از دهه ۶۰ به بعد کم‌کم خانه‌ها به شکل فشرده در کنار هم ساخته شد و بعدها در زمین‌های خالی که باقی مانده بود، نیروی هوایی هم برای کارکنانش ساختمان‌های قصر فیروزه یک را ساخت که اکنون به نام شهید شجاعی شناخته می‌شود.

محله‌ای خارج از محدوده شهری

محمد قنبری از اهالی قدیمی محله افسریه درباره هویت تاریخی این محله می‌گوید: «طبق اسناد سال ۱۳۵۰، حکومت وقت، افسریه را خارج از محدوده شهر تهران اعلام کرده بود. برای همین هر چند وقت یک‌بار شهرداری به اینجا می‌آمد و خانه‌هایی که مردم ساخته بودند را خراب می‌کرد. ساکنان اولیه اغلب مهاجر بودند و هر کسی می‌آمد شبانه یک آلتونکی می‌ساخت و چند روز بعد خراب می‌شد.» به گفته قنبری حتی برخی از اهالی با کانکس خانه درست می‌کردند، اما شهرداری همه را خراب می‌کرد. تا اینکه از سال ۵۹ به بعد کم‌کم شهرداری برای ساخت خانه در این محله جواز داد.»



میدان مشق نظامی

تاریخ محله افسریه را که ورق بزیند حوالی دهه ۵۰ این محدوده بیابان برهوت بود و سربازانی که مشق نظامی می‌کردند. اهالی وقتی این محله را برای سکونت انتخاب کردند هنوز سربازان پاسادگان قصر فیروزه در این محدوده حضور داشتند و بیابان پر بود از سنگ‌های کوچک و بزرگی که برای سربازان و تانک‌ها درست شده بود. در واقع یادگانی که اکنون به عنوان نیروی مقاومت بسیج فعال است، مرکز آموزش و یادگان گارد شاهنشاهی بوده و سربازان در این محدوده همه نوع مانوری می‌دادند؛ از چتر بازی گرفته تا جنگ‌های فرضی.

موتور آب و میراب

در محله افسریه از هر شهر و قومیتی سکونت دارند. از خراسان گرفته تا سمنان و سبزوار و شهرهای شمالی از ترک، کرد تا لر. خلاصه هر کدام از اهالی قدیمی افسریه اهل یک جایی هستند، آنها دست به دست هم دادند و خیابان‌ها و کوچه‌هایشان را ساختند. در گذشته آب مصرفی محله از موتور آب که در قسمت شمالی محله و کنار یادگان قرار داشت، تأمین می‌شد. میراب محله، آب را نوبتی و شبانه در جوی‌ها می‌انداخت و آب به سمت کوچه‌ها هدایت و نوبت هر خانه که بود، راه آب‌انبارش را باز و آن را پُر می‌کرد. اکنون شهرداری از این آب برای آبیاری درختان و فضای سبز استفاده می‌کند.

در محدوده میدان

کلاه‌دوز کارخانه یخی بود که برخی از اهالی آنجا کار می‌کردند. کنار این کارخانه جاده باریکی بود که اهالی با پرداخت ۵ ریال با مینی‌بوس به خانه‌هایشان در افسریه بر می‌گشتند.

ردپای قاجار در محله افسریه

اما چرا نام این محله را افسریه گذاشتند. گویا هویت این محله یک جورهایی به فردی به نام افسر الملوک علم‌گره خوردده است. منوچهر والی‌زاده، صدایی پیشکسوت از قصه نام این محله برایمان تعریف می‌کند: «زمان قاجار این زمین‌ها را وثوق الدوله نخست‌وزیر اواخر دوره قاجار، به نام خودش کرده بود. بعد هم در سال‌های ۴۷ و ۴۸ برای اینکه بتواند آنها را بفروشد با خواهران علم که از درباریان بودند، شریک شد. آنها زمین‌ها را به قطعات ۲۵ متری تقسیم کردند و فروختند. سر رشته خواهران علم، اسمش افسر الملوک بود و برای همین اسم این زمین‌ها را گذاشتند افسریه.»



۱۳۰۰۰۰ نفر
در محله افسریه زندگی می‌کنند و مراکز آموزشی این محله مانند مدرسه متناسب با جمعیت است.



۳۲۰ شهید
از محله افسریه تقدیم انقلاب شدند که تصاویر برخی از این غیور مردان را می‌توانید روی دیوارهای محله ببینید.

